

بررسی ابعاد حقوقی-سیاسی-اعتقادی حضور ایران در سوریه

سوده کریمی^۱

چکیده

لزوم توانمندی هر نظام حکومتی در عرصه بین‌المللی با توجه به عناصر اساسی تشکیل کشور مانند حاکمیت - به مفهوم حق تصمیم‌گیری و آزادی عمل کشور در کلیه امور، در چارچوب مرزهای خود و عدم وابستگی به هر قدرت داخلی یا خارجی (استقلال) - سبب می‌شود، هر کشور در این موضوع، دارای ایدئولوژی منحصر به خود باشد. این ایدئولوژی در جمهوری اسلامی ایران با بررسی دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره)، بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و سیاست‌های ثانویه آشکار می‌شود. در این مقاله با بررسی طرح‌های عام‌الشمول سال‌های گذشته برخی دولت‌ها مانند نقشه‌های خاورمیانه در ارتباط با طرح جنگ سوریه، به این سؤال اساسی پاسخ داده خواهد شد که ایدئولوژی ایران برای حضور در سوریه چیست. واقعیت امر چنین است که حفظ بنیان‌های اساسی انقلاب در هسته‌های مقاومت خارج از ایران موجب مهار خطر تخصص در مرزهای ژئوفیزیک داخلی خواهد شد. به عبارت دیگر، با مذاقه در تحولات کنونی آسیای غربی، در صورت عدم مقابله با متخصصان مهاجم، ایران باید در تعاقب اهداف پیگیری‌شده نقشه‌های کلان خاورمیانه، در مرزهای داخلی به مقابله با متخصصان پردازد. به‌علاوه باید بیان کرد که اسلام در نظام حقوقی خود ماهیت جهانی دارد و منحصر به زمان و مکانی خاص نیست و بر همین اساس، یاری رساندن به «مظلومان جهان» از وظایف مسلمانان در مداخلات بشردوستانه محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، حضور مستشاری، تاکتیکی، راهبردی، عملیاتی، فنی و امدادی، مداخله بشردوستانه

^۱ soode.karimi@gmail.com

مقدمه

از لحاظ بین‌المللی در سال‌های ابتدایی دهه ۲۰۰۰ میلادی، منطقه غرب آسیا در هلالی از تحولات قرار گرفت که از کشوری به کشور دیگر انتقال پیدا می‌کرد. در این تحولات بسیاری از انسان‌های غیرنظامی در جنگ‌هایی که اصول ضرورت و تناسب در آنها رعایت نمی‌شد، جان خود را از دست دادند. با وجود این، در مقدمه اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۱۹۹۰ میلادی، در اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره بیان شده است: «حقوق اساسی و آزادی‌های عمومی در اسلام جزئی از دین مسلمانان است.» خداوند متعال در آیات متعدد، دو گروه از انسان‌ها را مورد خطاب قرار داده است؛ گروهی که مورد ظلم واقع شده‌اند و گروهی که موظف به حمایت از مظلومان هستند (حج، ۳۹). همان‌ها که به ناحق از خانه و کاشانه خود رانده شدند، (و گناهی نداشتند) جز آنکه می‌گفتند: پروردگار ما خدای یکتاست و اگر خداوند (ظلم و تجاوز) بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، صومعه‌ها و کنیسه‌ها و کلیساها و مساجدی که نام خداوند در آنها بسیار برده می‌شود، ویران می‌شود و قطعاً خداوند کسی را که (دین) او را یاری کند، یاری می‌دهد (حج، ۴۰). این آیه علت اذن در جهاد را مظلومیت و مورد ظلم قرار شدن و اخراج از کاشانه و آواره کردن مومنان از وطن خود از سوی ستمگران می‌داند. در سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) نیز سفارشات بسیاری در ارتباط با یاری رساندن به مظلوم شده و «در اسلام مسئولیت مقابله با تهدید و ارباب، وظیفه همگانی است که باید همه افراد در برابر عوامل ارباب به مقابله برخیزند و از مظلوم دفاع کنند و خصم ظالم باشند» (خسروی، ۱۳۷۳: ۴۵). حضرت علی (ع) نیز فرمودند: «همواره خصم ظالم و یار و یاور مظلوم باشید» (نهج البلاغه، نامه ۴۷: ۴۲۱). پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «هرکس فریاد استغاثه مظلومی (اعم از مسلمان و غیرمسلمان) را بشنود که مسلمانان را به یاری می‌طلبد، اما فریاد او را اجابت نکند، مسلمان نیست». این دستورات، دستور عام است و نشان از گستره حمایت اسلام از مظلومان دارد. امام خمینی (ره) نیز می‌فرماید: «جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد.» در نگرش دینی مرز جغرافیایی وجود ندارد، دین اسلام، جهانی است و برای همه بشریت است.

بر این اساس، هدف از نگارش مقاله حاضر، واکاوی علل ایجاد ناآرامی در برخی از کشورهای منطقه غرب آسیا^۱ و به تبع آن حضور ایران در این کشورها است؛ ناآرامی و تغییراتی که با اهدافی کلان منجر به کشته شدن هزاران نفر از مردم غیرنظامی شده و بخش قابل توجهی از آنها را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند. اشخاصی که مورد حمایت کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی و حقوق بین‌الملل اسلام هستند. با توجه به اینکه منطقه غرب آسیا طی دوران گذشته به دلیل اهمیت ژئوپلیتیک ویژه خود همواره کانون توجه دولت‌های بیگانه و قدرت‌های استعماری بوده است، بررسی‌های مدقانه در طرح‌های کلان

^۱ به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله‌العالی) عبارت خاورمیانه ساخته فکر غربی‌ها است. لذا تأکید ایشان این است که به جای عبارت خاورمیانه، از عبارت آسیای غربی استفاده شود (بیانات در دانشگاه افسری امام حسین (ع) ۹۰/۳/۱۰).

به وجود آورنده تغییرات در این منطقه، از جمله طرح‌های مختلف خاورمیانه بزرگ، گسترده و جدید که با اهدافی خاص از مدت‌ها پیش برنامه‌ریزی شده‌اند؛ موجب می‌شود که با توجه به تغییرات ایجاد شده در منطقه آسیای غربی در کشورهایی همچون افغانستان، عراق، بحرین، یمن و سوریه و با مطالعه مجدد حقوق بین‌الملل اسلام، عقل و سنت، ادله معاونت در حمایت خاصه دولت سوریه بیان شود. به بیانی دیگر، پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این سؤال است که علل معاونت مستشاری، تاکتیکی، عملیاتی و امدادی جمهوری اسلامی ایران در برخی از کشورهای غرب آسیا به ویژه سوریه چیست. گردآوری اطلاعات در این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته و بر فرضیه زیر مبتنی است: ایدئولوژی ابتدایی کشور جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نظرات اندیشمندان اسلامی و بنیان‌گذار آن است. در طراحی این ایدئولوژی، مؤلفه حفظ استقلال و حاکمیت کشور از جمله اساسی‌ترین موارد قابل توجه است و حمایت و یاری‌رساندن به مظلومان نیز در مبانی مداخلات بشردوستانه اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. به این ترتیب، در شرایط مخاطره‌آمیز که امکان تهدید حاکمیت و استقلال کشور توأم با ظلم به مظلوم ثابت شده، با توجه به دلیل عقل، سنت و روایت، دفع خطر قریب‌الوقوع و یاری به مظلوم ضروری است.

پیشینه پژوهش

مقالات متعددی با موضوع طرح‌های تدوین‌شده در ارتباط با منطقه غرب آسیا تالیف شده‌اند. اما در مقاله حاضر، مبنای حضور جمهوری اسلامی ایران در سوریه بررسی می‌شود و می‌توان به دو مقاله به عنوان پیشینه پژوهش حاضر اشاره کرد:

سید امیر نیاکوئی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین راهبرد امنیتی ایران در قبال بحران سوریه ۲۰۱۱-۲۰۱۳» بر اساس الگوی موازنه تهدید استفان والت، تهدیدات مشترک ایران و سوریه را در چند دهه اخیر به سه دوره تقسیم کرده است. بررسی پیامدهای تحولات اخیر خاورمیانه و شدت گرفتن بحران در سوریه برای ایران، از نتایج این پژوهش است که در صورت سرنگونی رژیم اسد، ایران مهم‌ترین متحد استراتژیک خود را در منطقه از دست خواهد داد و توانایی مانور ایران در مرزهای شمالی رژیم صهیونیستی به شدت کاهش می‌یابد.

جواد معینی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «طرح خاورمیانه بزرگ الگوسازی بومی و گسترش همگرایی منطقه‌ای» در نتایج این مقاله بیان می‌دارد که طرح خاورمیانه بزرگ در چارچوب ضرورت‌های ناشی از اراده آمریکا جهت دستیابی به جایگاه یک قدرت هژمونی طراحی شده است. طرح خاورمیانه بزرگ، رویکرد سیاسی آمریکا در چارچوب دکترین حمله پیش‌دستانه به جهت زمینه‌سازی برای ایجاد نظم نوین با هدف یک‌جانبه‌گرایی آمریکا تعریف می‌شود و حتی تلاش دارد، با گسترش دموکراسی بازتعریف‌شده آمریکا در کشورهای غرب آسیا، مقاومت ناشی از رویکردهای سیاسی ضد

آمریکا را کنترل کند. البته وجه تمایز پژوهش حاضر با سایر آثار تألیف شده در این خصوص را باید بررسی تاریخی و نتیجه‌گیری بر اساس واقعیت‌های موجود دانست. در این پژوهش، در ارتباط با مخاصمه سوریه علاوه بر دلایل حقوقی به سیر تاریخی حدود منطقه غرب آسیا توجه می‌شود و بر اساس واقعیت‌های تاریخی، استنتاج منطقی صورت می‌گیرد.

چارچوب نظری

در ارتباط با چگونگی تأمین منافع دولت‌های آسیای غربی در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، رویکردهای نظری متعددی وجود دارد؛ از جمله همگرایی، رژیم امنیت منطقه‌ای، نظام امنیت دسته‌جمعی، نظام بازدارندگی، معادله امنیتی، نظام اتحاد، نظام موازنه تهدید و... که به طور مختصر هر یک مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس مناسب‌ترین رویکرد گزینش می‌شود:

۱- همگرایی: همگرایی به عنوان وضعیت، یعنی شرایطی که در آن کنشگران به یک اجتماع جدیدی می‌رسند. اکثر نظریه‌های همگرایی، همگرایی منطقه‌ای را مورد توجه قرار داده‌اند.

۲- رژیم امنیت منطقه‌ای: استفن کراسنر در تعریف رژیم می‌گوید: «مجموعه‌ای از اصول، قواعد صریح یا قاعده ضمنی، هنجارها و رویه‌های تصمیم‌گیری که انتظارات و خواسته‌های بازیگران حوزه‌ای خاص را با هم هماهنگ و در نتیجه برآورده می‌کند.»

۳- نظام امنیت دسته‌جمعی: مفهوم «امنیت دسته‌جمعی» (Collective Security) در مفهوم واحد «همه بر ضد یکی» (All against one) ریشه دارد؛ اما مشارکت در یک سازمان امنیت دسته‌جمعی در بر گیرنده تعهد هر عضو برای پیوستن به ائتلاف با قدرت اکثریت علیه متجاوز است. نظام امنیت دسته‌جمعی در طول یک پیوستار به شکل ایده‌آل یا قابل قبول در خواهد آمد. چنین سازمانی میزان بالایی از علاقه به هماهنگی را در بین اعضای خود به تصویر می‌کشد و در آن دشمنی میان اعضا از بین می‌رود و سیاست قدرت به شکلی کارآمد کنار گذاشته می‌شود و در نهایت، رفتار متوازن‌کننده فقط در واکنش به تجاوز به وقوع می‌پیوندد. از ویژگی‌های مهم آن، پذیرش و تعهد به اصل «همه برای یکی»، اتفاق آرا و حق رأی مساوی، دارای مکانیسم‌های تحریم فعال، ابزارهای مناسب برای حل و فصل اختلافات و توان نظامی قوی است.

۴- نظام بازدارندگی: استراتژی نظامی که از طریق آن یک قدرت با استفاده از تهدید انتقام‌گیرنده از حمله دشمن جلوگیری می‌کند. مفهوم بازدارندگی متقابل از یک نظر همان مفهوم سنتی «موازنه قدرت» است که در کسوت جدیدی در آمده است.

۵- معادله امنیتی: این رویکرد در قالب نظریه رئالیسم تدافعی قرار می‌گیرد. واقع‌گرایان تدافعی به رابطه میان آنارشی و الزامات نظام بین‌الملل از یکسو و رفتار دولت‌ها از سوی دیگر توجه دارند. فرض واقع‌گرایی تدافعی این است که آنارشی بین‌المللی کامیاب خوش‌خیم است و امنیت چندان نایاب نیست. در نتیجه، دولت‌هایی که این را در می‌یابند، رفتاری تهاجمی نخواهند داشت و تنها در شرایطی

که احساس کنند، تهدیدی علیه آنها وجود دارد، نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند و این واکنش نیز اغلب تنها در سطح ایجاد موازنه و بازداشت تهدید است (Rose, 1998: 152). ماهیت این رویکرد مبتنی بر اعتمادسازی است، هرچند پایه‌های آن لرزان باشد. به نظر تالیافرو (Taliaferro 1999) واقع‌گرایی تدافعی مبتنی بر چهار مفروضه است که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

• معضل امنیت (security dilemma): منظور از معضل امنیت، شرایطی است که در آن، تلاش یک دولت برای افزایش امنیت خود، باعث کاهش امنیت دیگران می‌شود.

• ساختار ظریف قدرت: به نظر واقع‌گرایان تدافعی، تأثیر ساختار ظریف (fine-grained) قدرت که متغیر سطح نظام نیست (و به معنای توزیع نسبی آن دسته از توانمندی‌های مادی است که دولت‌ها را قادر می‌سازد تا راهبردهای نظامی و دیپلماتیک خاصی را دنبال کنند)، مهم‌تر از ساختار خام قدرت است.

• برداشتهای ذهنی رهبران: تأثیر ساختار ظریف قدرت و توانمندی‌های مادی بر رفتار دولت از طریق تصورات یا برداشتهای ذهنی رهبران ملی است.

• عرصه سیاست داخلی: به نظر واقع‌گرایان تدافعی، استقلال دولت در برابر جامعه مدنی، ائتلافات سیاسی، عرصه سیاست سازمانی و روابط میان بخش‌های لشکری و کشوری، جملگی توانایی رهبران را در بسیج منابع تحت تأثیر قرار می‌دهند (مشیرزاده، ۱۳۹۱: ۱۳۳). این رویکرد به نوعی در دو گزینه «کاهش احتمال جنگ» و «کاهش احتمال شکست» دارای ظرفیت و توان مناسبی است.

۶- نظام اتحاد: هرگاه دولت‌ها احساس کنند که بدون قبول برخی از تعهدات، به‌ویژه تعهدات نظامی، قادر به مقابله با تهدیدات خارجی یا دفاع از منافع ملی و تحقق اهداف سیاست خارجی خود نخواهند بود، به اتحاد روی می‌آورند. به عبارت دیگر، اصولاً اتحادها، تعهدات رسمی یا ضمنی برای انجام همکاری‌های امنیتی بین دو یا چند کشور در برابر بازیگران خارجی یا تهدیدات امنیتی احتمالی است. شکل‌گیری نظام اتحادها را می‌توان بر اساس دو پارادایم واقع‌گرایی و نولیبرالی تبیین کرد. واقع‌گرایی بر عامل تهدیدات به‌عنوان عامل اساسی در اتحاد و انسجام، به میزان شدت تهدیدات خارجی و شکل‌گیری اتحادها تأکید دارد. نولیبرال‌ها بر وجود دستاوردهای مشترک در ایجاد سیستم‌های اتحاد تأکید دارند. نظام اتحادها زمانی پا به عرصه وجود می‌نهد که دستاوردهای مشترک از سوی طرف‌های مربوط درک شوند. از این نظر، سیستم اتحادها نتیجه منافع مشترک است.

۷- نظام موازنه تهدید: استفن والت (۱۹۸۷) به‌عنوان یکی از مهم‌ترین واقع‌گرایان تدافعی نئوکلاسیک است که نظریه «موازنه تهدید» (Balance of Threat) را مطرح کرد.

مهم‌ترین مفروضات:

• دولت‌ها در مقابل دولت‌هایی متحد می‌شوند که منشأ بیشترین تهدیدند؛ بنابراین دولت یا دولت‌های تهدیدکننده لزوماً جزو قوی‌ترین دولت‌ها نیستند.

• تهدید صرفاً به میزان قدرت دولت‌ها بستگی ندارد؛ بلکه تصویری که دولت‌ها در روابط خود از تهدید دارند، مد نظر است.

• هر اندازه تهدیدات خارجی شدیدتر باشد، به همان اندازه انگیزه اتحاد، بیشتر می‌شود و نظام به لحاظ کارکردی از انسجام بیشتری برخوردار خواهد شد.

• والت «تهدید» را افزون بر قدرت، ترکیبی از سایر عوامل، نظیر توانایی‌های تهاجمی، قدرت نظامی، نزدیکی جغرافیایی و مقاصد تجاوزکارانه احتمالی می‌داند.

• یکی از شرایط افزایش امنیت در نظام موازنه، تهدید آن است که موازنه به وجود آمده به هنجارها تبدیل شود. به عقیده والت، نظریه موازنه تهدید، جایگزین موازنه قوا نیست، بلکه با هدف افزایش قدرت تبیین آن مطرح است. هرگاه دولت‌ها احساس کنند که موجودیت یا منافع آنها را سایر دولت‌ها با تهدید فوری روبه‌رو می‌کنند، با اتحاد با یکدیگر، به موازنه در برابر آنها می‌پردازند (Walt, 1987: 1-12). علاوه بر نظام‌های مذکور، نظام‌های امنیتی دیگری نظیر نظام امنیت تعاونی، نظام دفاعی، غیر تحریک‌آمیز، دفاع غیرتجاوزی، دفاع اعتمادساز و دفاع تدافعی نیز مطرح هستند. از نظر استفن والت، هیچ نظریه یا رهیافتی به تنهایی نمی‌تواند، پیچیدگی‌های سیاست جهان معاصر را به طور کامل در نظر بگیرد (Walt, 1998: 110). بر همین اساس، استفاده از رویکرد امنیتی موازنه تهدید توسط ایران و سوریه در برابر آمریکا و متخاصمان در سوریه که در حال حاضر بیشترین تهدید به شمار می‌آیند، مناسب‌ترین رویکرد به نظر می‌رسد که مبتنی بر ویژگی‌های زیر است:

• رابطه همکاری جویانه رسمی یا غیررسمی میان دو کشور؛

• منافع مشترک متحدان در زمینه امنیت منطقه‌ای حداقل در ارتباط با یک تهدید متصور؛

• وجود قرارداد و اتحاد استراتژیک؛

• تجمع کلیه قابلیت‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی؛

• واکنش دسته‌جمعی در مقابل تهدید دشمن مشترک؛

• وابستگی متقابل امنیتی میان بازیگران متحد غرب آسیا (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۴).

در برخی شرایط، بر پایه رویکرد امنیتی موازنه تهدید و از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، امکان مداخله بشردوستانه در کشورهای مختلف نیز به وجود می‌آید که مبانی آن در ذیل بررسی می‌شود.

مفهوم مداخله بشردوستانه

مداخله بشردوستانه، استفاده یک حکومت از نیروی نظامی علیه حکومتی دیگر است. هدفی که به طور عمومی برای آن اقدام نظامی اعلام می‌شود، پایان دادن به نقض حقوق بشر مرتکب شده توسط آن حکومت و «مداخله به معنای دخالت مستبدانه توسط یک یا چند دولت در امور داخلی یا خارجی دولت یا دولت‌های دیگر است که اغلب با تهدید یا توسل به زور همراه است. به منظور حفظ یا تغییر شرایط موجود» (بلدسو، ۱۳۷۵: ۴۹۲). در فرهنگ علوم سیاسی آمده است: «دخالت، عملی است که

به موجب آن دولتی بدون هیچ حق قانونی، دولت مستقل دیگری را در امور راجع به سیاست خارجی یا داخلی خود مجبور به متابعت از نظر خود کند» (علی بابایی، ۱۳۶۹: ۵۲۸).

۱- مبانی مشروعیت مداخله بشردوستانه در اسلام

«مداخله بشردوستانه از نوع وسیع آن مداخله‌ای است که به منظور حمایت از حقوق اساسی بشر صورت می‌گیرد و این حقوق، امروزه به عنوان اموری که در صلاحیت داخلی هیچ دولتی نیست، در نظر گرفته می‌شود» (وزیری، ۱۳۹۴: ۶). یکی از اهداف اساسی حقوق اسلام و بین‌الملل در تنظیم روابط بین‌المللی، تأمین و تضمین رعایت حقوق انسان‌هاست. مداخله بشردوستانه جهت تأمین و تضمین رعایت حقوق انسان‌ها در حقوق اسلام، دارای مبانی قرآنی، روایی، اجماع و عقل است و بر اصول اولیه کرامت انسان، تألیف قلوب و تولی و تبری استوار است و دارای مصادیقی از جمله، دفاع از اسلام، دفع تجاوز و دفاع از مسلمانان و حمایت از مستضعفان و حق‌طلبان است.

۱-۱ قرآن

قرآن کریم در آیات متعددی به مداخله بشردوستانه پرداخته است:

الف- یکی از اصول مکتب اسلام، دفع تجاوز و دفاع از مسلمانان است؛ خواه متجاوز کافر باشد و خواه مسلمان. اگر متجاوز کافر بود، بر همه مسلمانان واجب است که برای دفاع از مظلوم، به دفع تجاوز قیام کنند. خداوند می‌فرماید: «اگر گروهی به خاطر حفظ دین و آیین‌شان از شما طلب یاری کنند، بر شما لازم است که به یاری آنان بشتابید» (انفال، ۷۲). آیه شریفه با کمال صراحت، مسلمانان را ملزم می‌کند تا به یاری برادران دینی خود که مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند، بشتابند و به وظیفه دینی خود عمل کنند. این آیه، ولایت بین مؤمنان مهاجر و غیرمهاجر را نفی می‌کند؛ مگر ولایت نصرت. البته به شرط اینکه بین آنها و گروه متجاوز میثاقی نباشد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۴۵). بنابراین مسلمانانی که تحت سیطره حاکمان جور هستند، اگرچه قدرت مهاجرت داشته باشند، ولی مهاجرت نکنند، در صورت طلب یاری، بر همه مسلمانان لازم است که به آنها پاسخ دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۵۹: ۲۵۷). اگر متجاوز، یک طایفه یا یک ملت مسلمان باشد، بر همه مسلمانان لازم است که ابتدا به اصلاح بین دو گروه مسلمان بپردازند و اگر اصلاح ممکن نشد، باید با گروهی جهاد کنند که تجاوز را آغاز کرده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «اگر دو طایفه از اهل ایمان، با هم به قتال برخیزند، البته شما مؤمنان بین آنها صلح برقرار کنید و اگر یک قوم بر دیگری ظلم کرد، با آن طایفه ظالم قتال کنید تا به فرمان خدا باز آید و ترک ظلم کند» (حجرات، ۹). بر اساس عمومیت آیه شریفه می‌توان گفت که در صورت حمله نظامی یک دولت اسلامی به دولت اسلامی دیگر از روی ظلم، بر سایر دولت‌های اسلامی لازم است که به دفاع از دولت اسلامی مورد تجاوز بشتابند و با تجاوزگر بجنگند.

ب- قرآن کریم مسأله حمایت از حق طلبان و مبارزات آنان را مورد توجه قرار داده و در این رابطه می‌فرماید: «چرا در راه خدا جهاد نمی‌کنید؛ آنها که از مرد و زن و کودکان به استضعاف کشانده شده‌اند، همان که می‌گویند، پروردگارا ما را از این شهری که مردمش ستم، پیشه کرده‌اند، بیرون ببر و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار بده و از نزد خویش یآوری برای ما تعیین فرما» (نساء، ۷۵). «ممکن است برخی اشکال کنند که شأن نزول این آیه، نصرت مسلمانان مظلوم مکه قبل از جریان فتح مکه است. در پاسخ به این اشکال باید اشاره کرد که یکی از ویژگی‌های قرآن کریم، جاودانگی آن است و خداوند در راستای سعادت بشر تا روز قیامت، اصول لازم را از طریق قرآن بیان فرموده‌اند؛ به گونه‌ای که در هر عصری این اصول لازم‌الاجرا است. این آیه بر جواز یا وجوب دفاع دلالت دارد. البته در صورتی که از سوی انسان‌های تحت ظلم درخواست یاری صورت گیرد» (قربان‌نیا، ۱۳۸۲/۱۴۶). «قرآن صورت دیگر حمایت از مظلومان را با عنوان مقابله با فتنه‌گران بیان کرده و می‌فرماید: «با کافران جهاد کنید تا فتنه از روی زمین برطرف و دین مخصوص خدا شود، پس اگر دست برداشتند تعدی جز بر ستمکاران روا نیست» (بقره، ۱۹۳) (وزیری، ۱۳۹۴: ۴۱). تفسیر این آیه از نظر علامه طباطبایی به این شرح است که «کمال سختگیری را به خرج دهید و آنان را هر جا که برخوردید، به قتل برسانید تا مجبور شوند از سرزمین و وطن خود کوچ کنند، همان‌طور که شما را مجبور به جلای وطن کردند، هرچند رفتار آنان با شما سخت‌تر بود، برای اینکه رفتار آنان فتنه بود و فتنه، بدتر از کشتن است، چون کشتن تنها انسان را از زندگی دنیا محروم می‌کند، ولی فتنه مایه محرومیت از زندگی دنیا و آخرت و انهدام هر دو نشانه است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۲ / ۸۹). «از نظر قرآن و اسلام، امنیت اطمینان‌بخش تا زمانی که شرایط غیرعادلانه بر جهان حاکم بوده و توده‌های وسیعی از مردم جهان تحت سیطره قدرت‌های ظالم و سلطه‌جو باشند، به نحوی که از حقوق اولیه خود و احراز آزادی، استقلال و حاکمیت بر سرنوشت‌شان محروم هستند، نمی‌تواند در جهان برقرار شود و استکبار در تمامی اشکالش منبع اصلی تشنجات و مناقشات جهانی است که همواره امنیت را به خطر انداخته است» (عمید زنجانی، ۱۳۷۳: ج ۲ / ۱۳۰-۱۳۳).

۲- مبانی اخلاقی مداخله بشردوستانه در اسلام

در حقوق بین‌الملل اسلام، ادله متقن اخلاقی جهت مداخله بشردوستانه وجود دارد که بررسی می‌شود:

۲-۱- دفاع از حقوق انسانی و حمایت از مستضعفان به عنوان یک اصل بنیادین

«اسلام، استکبار و سیاست سلطه را به عنوان عامل اصلی مداخله‌های تجاوزکارانه سرکوب می‌کند و با تأکید بر اصل ممنوعیت مداخله سلطه‌جویانه، نابود کردن سیاست‌های استکباری را تنها راه خاتمه دادن به مداخله‌هایی از این قبیل در امور داخلی ملت‌ها می‌داند» (زنجانی، ۱۳۶۷: ۴۵۸-۴۵۹).

بنابراین اصل بر ممنوعیت مداخله در امور داخلی و اختصاصی دیگران است. اما این امر در مواردی دارای استثنائاتی است که به آنها اشاره می‌شود. اسلام با استناد به آیات قرآن همچون «لا اکراه فی الدین» (بقره، ۲۵۶) و «و ما انت علیهم به جبار» (ق، ۴۵) تحمیل زور به عنوان مبنای اصلی برای دخالت را نفی می‌کند، اما دفاع از حقوق انسان برای اسلام اهمیت دارد و هنگام تعارض با سایر اصول، حمایت از حقوق مستضعفان برتری می‌یابد (مهدی هادی، ۱۳۸۵: ۸۷).

۲-۲- حمایت از مستضعفان، نقطه مقابل اعتدا و تجاوز

در نظام اسلام حمایت از مستضعفان با عنوان مداخله بشردوستانه در قالب دفاع از هموعان مطرح است و با این شرط، معنای تعدی و تجاوز خود را از دست می‌دهد. دفاع مفهومی مقابل تجاوز دارد و زمانی مفهوم حقیقی خود را در بردارد که برای دفع تجاوز باشد، نه اینکه خود نیز تجاوز محسوب شود. تجاوز در این معنا، تجاوز به شأن بشریت است که در گستره اسلام بدون تمایز میان تجاوز به مسلمان و غیر مسلمان بر همه وظیفه است تا در مقابل ظلم ایستادگی کنند و مظلوم را یاری رسانند.

با توجه به اهمیت منطقه غرب آسیا و تحولات ایجادشده در این منطقه که موجب کشته شدن بسیاری از غیرنظامیان، زنان و کودکان شده است، مبنای بیان شده در ارتباط با حقوق بشردوستانه لزوم حمایت از این افراد را آشکار می‌کند. بر مبنای این واقعیت و بر اساس اصول مکتب توحیدی اسلام، جمهوری اسلامی ایران مبنای روابط بین‌الملل و سیاست خارجه خود را بر اساس ایدئولوژی خاص بنیان‌گذار آن، حضرت امام خمینی(ره) در جهت اصل ظلم‌ستیزی و اعلام حمایت از مظلومان و محرومان جهان بنا نهاده است. بر این اساس، نهضت‌های آزادی‌بخش و ضد استعمار و استبداد، در سطح جهانی مورد حمایت سیاسی- اقتصادی دولت اسلامی قرار می‌گیرند که کشور سوریه از این اصل کلی مستثنی نیست. این حمایت، عام‌الشمول است و ملت و دولت این کشور را در بر دارد؛ زیرا اکثریت ملت سوریه خواستار تغییر رژیم کشور خود نیستند. علاوه بر اینکه به لحاظ اعتقادی وجود حرم ذریه پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) در این کشور عاملی است که موجب می‌شود، جهت مقابله با هتک حرمت این مضاجع شریف، ملت ایران اقداماتی از جمله حمایت مستشاری، تاکتیکی، راهبردی و امدادی را انجام دهند. بدیهی است، اگرچه فرامین قرآن کریم و سنت به حمایت از مظلومان در صورت درخواست آنها ما را رهنمون می‌کند؛ از نظر عقلی نیز مقابله با مخاصمان در هسته‌های مقاومت خارج از ایران موجب جلوگیری از اجرایی شدن گام‌های بعدی طرح‌های فوق‌الذکر است. بدین ترتیب با استناد به حقایق فوق‌الذکر و با توجه به تأثیرات جنگ سوریه بر امنیت ایران که در نقشه‌های خاورمیانه از جمله نقاط هدف دولت‌های غربی است و با توجه به اهمیت هدایت صحیح بحران از لحاظ منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به بیان ادله مشروعیت مداخله بشردوستانه از منظر قانده نفی سبیل، سنت، عقل، دیدگاه‌های حضرت امام خمینی(ره) و سایر اندیشمندان اسلامی در دفاع از مظلومان عالم پرداخته می‌شود.

الف) قاعده نفی سبیل

قاعده نفی سبیل، یکی از اصول مهم حاکم بر سیاست خارجی اسلام محسوب می‌شود. این اصل بر تمام مسائل روابط خارجی و بین‌الملل اسلام در زمینه‌های گوناگون نظامی، سیاسی، اقتصادی و... حاکمیت دارد و تمامی آنها باید بر اساس آیه شریفه «ولن يجعلنکم للکافرین علی المومنین سبیلاً» (نساء، ۱۴۱) برنامه‌ریزی و کنترل شود. بر اساس قاعده نفی سبیل، راه هر نوع نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف باید مسدود شود؛ بدین معنا که هرگونه سبیل و راهی که به هر طریق منجر به تسلط کفار بر مسلمانان و مؤمنان شود، ممنوع بوده و هرگاه چنین اختیار و اقتدار سلطه‌آمیزی از طرف غیرمسلمان علیه مسلمانی اعمال شود، موضوع قاعده نفی سبیل صدق می‌یابد و بر اساس این قاعده، در اسلام هر حکمی که مستلزم چنین سلطه‌ای باشد، الهی نبوده و به مقتضای این قاعده نباید به آن عمل شود (بجنوردی، ۱۳۸۹: ج ۱/ ۱۸۷). عدم تسلط بر مقدرات و تدابیر نظامی، عدم وابستگی اقتصادی، جلوگیری از نفوذ فرهنگی و ... در این راستا مورد توجه قرار می‌گیرد. در حوزه سیاست خارجی، پذیرفتن تحت‌الحمایگی، نفی ظلم و استبداد و استعمار، جایز نبودن مداخله بیگانگان در امور داخلی کشور اسلامی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی مورد تأکید است. بنابراین قاعده نفی سبیل، بیانگر دو جنبه ایجابی و سلبی است که جنبه سلبی آن، ناظر بر نفی سلطه بیگانگان بر مقدرات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان و جنبه ایجابی آن، بیانگر وظیفه دینی امت اسلامی در حفظ استقلال سیاسی و از میان برداشتن زمینه‌های وابستگی است (سجادی، پاییز ۱۳۸۱: ۱۷۶). بدون تردید، مفهوم چنین اصلی مبین اصل عزت اسلامی در روابط خارجی مسلمانان است و علاوه بر آیات قرآن کریم، روایات معصومان(ع) نیز آن را مورد تأکید قرار می‌دهد. بنابراین قاعده نفی سبیل در استراتژی حکومت اسلامی باید از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد تا بتواند به عنوان قطب‌نمایی جهت‌گیری‌های آن را در عرصه بین‌المللی تعیین کند.

ب) سنت

در همین راستا، رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «اسلام علو و برتری می‌یابد و هیچ چیز بر او علو و برتری نمی‌یابد» (الهندی، ۱۳۶۴ق/ ج ۱: ۱۷). این حدیث در واقع، نه تنها نشان‌دهنده علو اسلام است، بلکه پیامبر گرامی اسلام هرگونه اعتلای بیگانگان بر مسلمانان را نیز نفی می‌کنند (محمدی الموتی، ۱۳۸۸: ۱۲۰). از سوی دیگر، استقرار جامعه مطلوب اسلام و روابط انسانی مقبول دین، مستلزم روابط اجتماعی و بین‌المللی سالم و به دور از ظلم و تعدی است. جامعه‌ای که به سوی سعادت حرکت می‌کند، ناگزیر است، هر نوع روابط ناعادلانه و تبعیض‌آمیز را نفی و به جای آن، روابط سالم و به دور از ظلم و رعایت حقوق همگان را جایگزین کند (موسوی، ۱۳۸۲: ۴۴). از این رو، دین اسلام نه تنها ظلم را منع می‌کند، بلکه پذیرش ظلم و زیر بار ظلم رفتن را نیز محکوم می‌کند و برای آن مجازاتی سخت قائل می‌شود (عمید زنجانی، ۱۳۶۸: ۶۸). پیامبر اکرم(ص) و ائمه(ع) سفارشات زیادی را در جهت

حمایت از مظلومان بیان کرده‌اند. پیامبر اسلام(ص) در روایتی می‌فرمایند: «هرکس بشنود انسانی از مسلمانان استمداد می‌طلبد و به او جواب ندهد، مسلمان نیست» (کلینی، ۱۴۱۸: ۱۶۴). علاوه بر این، سنت عملی رسول خدا(ص) در انعقاد پیمان‌های دفاعی نیز گواه این امر است. در حلف‌الفضول افراد شرکت‌کننده، از جمله حضرت رسول(ص) سوگند یاد کردند که در یاری مظلوم و مقابله با ظالم، ید واحده باشند تا آنکه ظالم حق مظلوم را بپردازد و این پیمان مادام که دریا کنار ساحل خود را مرطوب کند (یعنی برای همیشه تاریخ) استوار است (ابن هشام، ۱۳۵۵: ۴۶-۳۱). حضرت علی(ع) نیز در حالی که در بستر شهادت آرمیده، به فرزندانش وصیت می‌کند: «همواره دشمن ظالمان و یاور مظلومان باشید» (وزیری، ۱۳۹۴: ۴۳). بنابراین با تکیه بر قاعده نفی سیل و سنت نبی اکرم(ص) و ائمه(ع) نباید به مستکبران اجازه سلطه بر مسلمانان داده شود و این قاعده در ارتباط با کشور سوریه نیز جاری است.

ج) عقل

دفاع از مظلوم، یکی از آموزه‌های فطری است که هر عقل سلیمی آن را تأیید می‌کند. این مسأله آنقدر بدیهی است که حتی متجاوزان نیز به بهانه یاری ملت‌های ضعیف و حمایت از حقوق بشر، دست به بزرگ‌ترین جنگ‌ها می‌زنند. به عبارت دیگر، دفاع از مظلوم و دشمنی با ستمگران و متجاوزان از بارزترین پسندیده‌های عقلی است که همواره در باب حسن و قبح عقلی بدان استناد می‌کنند. از نظر عقل که زشتی و زیبایی رفتارها را درک می‌کند، تردیدی وجود ندارد که «یاری رساندن به مظلوم برای جلوگیری از ظلم به وی» اقدامی پسندیده است؛ چرا که عقل بشر، بی‌تفاوتی در برابر صحنه‌های ظلم را تقبیح می‌کند. فقهای که نهی از منکر را یک واجب عقلی می‌دانند، مانند شیخ طوسی (طوسی، بی‌تا: ۱۴۷)، قهراً اقدام برای رهایی مظلوم از ظلم را وظیفه‌ای مستند به عقل دانسته و همگان را به حکم خرد در برابر صحنه‌های بیداد، مسئول می‌شمارند. بنابراین در صورتی که تنها به حکم عقل نظر به اعمال عمل داشته باشیم نیز حمایت از مظلومان واجب عقلی است.

د) دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) و سایر اندیشمندان متقدم و متاخر در ارتباط با

دشمن‌ستیزی

یکی از اصول کلی سیاست خارجی دولت اسلامی، مبارزه با ظلم و دفع تجاوز نسبت به مسلمانان در مقابل ستمگران است، بنابراین دفاع از اسلام و مسلمانان به عنوان منادیان آزادی و عدالت، یکی از مصادیق جهاد فی سبیل‌الله است. بررسی دیدگاه‌های فقها و اندیشمندان جهان اسلام حاکی از این امر است که آنان در اصل حکم فوق، اتفاق نظر دارند. اکنون ابتدا به بررسی نظرات حضرت امام خمینی(ره) به عنوان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی پرداخته می‌شود، سپس نظرات سایر اندیشمندان بیان می‌شود. در اندیشه سیاسی حضرت امام(ره)، مبارزه با ظلم و استکبار به عنوان یک تکلیف دینی مطرح می‌شود

(موسوی خمینی، ۱۳۵۷: ج ۵ / ۲۱). ایشان در تعیین خط مشی مبارزه با استکبار، اولین اصلی را که مورد توجه قرار می‌دهند، این است که تا قدرت‌های سیطره‌جو و مستکبر جهان به اضمحلال و انقراض در نیایند، محال است که صلح، آرامش، سلامت و سعادت در کره ارض حاکم شود و محرومان و به بند کشیده‌شدگان به حقوق الهی خود نائل آیند و به وراثت زمین برسند: «سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبران است و تا این سلطه‌طلبان بی‌فرهنگ در زمین هستند، مستضعفان به ارث خود که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده است، نمی‌رسند» (موسوی خمینی، ۱۳۵۸: ج ۱۲ / ۱۴۴). ایشان همچنین در ارتباط با دفاع از بلاد اسلامی می‌فرمایند: «اگر دشمن به شهرهای مسلمین یا مرزهای آنان یورش برد، به طوری که اساس اسلام و جامعه اسلامی به خطر افتد، دفاع بر مسلمانان واجب است با هر وسیله‌ای که ممکن باشد؛ از قبیل دادن مال و جان و این دفاع مشروط به حضور امام و اجازه او و جانشین خاص یا عامش نیست» (موسوی خمینی، ۱۳۸۷: ۳۹۰). بر این اساس امام تئوری روابط بین‌الملل را بر اساس چند محور پی‌ریزی کردند که عبارتند از:

الف: استفاده مسلمانان از تمامی امکانات و وسایل جهت دفاع از ارزش‌های الهی در برابر استکبار جهانی

ب: ستیز با مشرکان و کافران و ستمگران در کل شرق و غرب به سرکردگی آمریکا و در جایی در این مورد می‌فرمایند: «من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهان‌خواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه آنها خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست، یا همه آزاد می‌شویم یا به آزادی بزرگ‌تری که شهادت است، می‌رسیم» و در این باره می‌فرمایند: «خدا به ما تکلیف کرده است که با این مخالفان اسلام و ملت اسلام معارضه کنیم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۹ / ۴۱۰). «تکلیف ما این است که در مقابل ظلم بایستیم» (موسوی خمینی، ۱۳۶۳: ج ۱۹ / ۱۹۹)، دفاع از مملکت اسلامی، دفاع از نوامیس مسلمین از واجبات شرعی الهیه‌ای است که بر همه ما واجب است» (موسوی خمینی، ۱۳۵۹: ج ۱۳ / ۱۸۳). آنچه از مفاد این فرمایشات امام بر می‌آید، این است که در اندیشه ایشان، گسترش و نفوذ استکبار جایی ندارد و همواره ناعادلانه است و امام با اندیشه والا و رهنمودهای آزادی‌بخش خود نمی‌توانستند، چنین الگویی را بپذیرند. بر این اساس، ایشان فاصله‌گیری از فرهنگ سفارشی را مطلوب می‌دانستند و با آن، دشمنی ایدئولوژیک و همه‌جانبه داشتند.

- فقهای متقدم

دیگر اندیشمندان اسلامی از جمله محقق حلی در ارتباط با نحوه مبارزه با دشمن بیان می‌دارد: «... اگر دشمنان به مسلمانان هجوم آورند، به طوری که اساس اسلام به خطر افتد و خوف نابودی اسلام بیم نابودی طایفه‌ای از مسلمانان برود، در این صورت بر آنها واجب است، از آن دفاع کنند و قصدشان راندن دشمن از خود و اسلام و مؤمنان باشد» (محقق حلی، ۱۳۷۷: ۱۸۵). شهید ثانی نیز چنین می‌فرماید: «بر مسلمانان واجب است، با افرادی (کفار) که بر مسلمین هجوم آورده‌اند و خوف غلبه

آنان بر بلاد مسلمین یا گرفتن اموالشان و مانند آن می‌رود، جهاد کنند و این مشروط بر اذن امام یا نایب او نیست. او این را دفاع مشروع می‌داند که بر همه مسلمانان (مقیم و غیر مقیم) دفاع یا حمایت از دیگر مسلمانان واجب است» (جبعی عاملی، ۱۳۸۱: ۳۸۲). بنابراین نظرات دفاع از مسلمانان تحت حمله دشمن در هر مکان و زمانی واجب است.

- فقه‌های متأخر

رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: «اگر مکلف طبق تشخیص خود احساس کند که کیان اسلام در خطر است، باید برای دفاع از اسلام قیام کند؛ حتی اگر در معرض کشته شدن باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴: ۳۳۲). شهید مطهری نیز در این باره می‌فرمایند: «این تهاجماتی که باید با آن مبارزه شود، همه به این شکل نیست که طرف به سرزمین شما حمله کند، ممکن است طرف با ما نخواهد بجنگد، ولی مرتکب یک ظلم فاحش نسبت به یک عده افراد شده باشد و ما قدرت داریم آنها را که تحت تجاوز قرار گرفته‌اند، نجات دهیم. اگر نجات ندهیم، در واقع به ظلم این ظالم نسبت به آن مظلوم کمک کرده‌ایم» (مطهری، ۱۳۷۲: ۲۲). آیت‌الله شیخ محمد مهدی شمس‌الدین بی‌تفاوتی و بی‌مبالاتی در برابر تجاوز کفار به مسلمانان را حرام می‌داند (شمس‌الدین، ۱۹۹۷: ۳۳۶). دکتر وهبه زحیلی جنگ برای رساندن یاری به مظلوم به طور فردی یا جمعی را یکی از موارد مشروع جهاد اسلامی معرفی می‌کند و آن را مقتضای مصلحت عمومی می‌داند (زحیلی، ۱۳۹۲ق: ۳۰-۳۳). همچنین عمر احمد فرجانی معتقد است که اسلام، قلمرو مکانی خاصی را برای دفاع از مظلوم معین نکرده است (فرجانی، ۱۹۸۸: ۴۴). عبدالرحمان عزام نیز بیان می‌دارد: «دولت اسلامی شرعاً مکلف به رد مظالم (باز پس گرفتن حق مظلوم) است، بلکه فراتر از آن به یاری مظلوم... فردی باشد یا جمعی، مسلمان باشد یا غیر مسلمان، مکلف است» (هیگل، ۱۹۹۶: ۵۹۴). از نظرات فوق اینگونه بر می‌آید که مبارزه علیه ظلم و نقض حقوق انسان‌ها واجب است. هرگاه با رفتار بی‌رحمانه با آدمیان رفتار شود که موجب جریحه‌دار شدن وجدان بشریت شود، مداخله برای نجات این افراد واجب است. بر مبنای اصل مبارزه با ظلم و حمایت از مظلوم، خدا بر ضرورت ظلم‌زدایی از جامعه بشری و صحنه فعالیت‌های اجتماعی انسان‌ها اشاره کرده و برای ظلم هیچگونه جایی در نظام آفرینش قائل نمی‌شود، بنابراین ظلم‌زدایی از جامعه بشری را مسؤولیت اجتناب‌ناپذیر انسان دانسته است و از نظر خداوند، این ظلم‌زدایی شامل تمام قلمروهای حیات بشری شده و هیچ استثنایی در آن وجود ندارد و بر این اساس، ظلم‌ستیزی و حمایت از مظلوم برای استقرار عدالت و گسترش آن، جزء غیرقابل تفکیک از مجموعه تلاش‌های زندگی اجتماعی هر مسلمانی است.

اهمیت منطقه غرب آسیا در نظام بین‌الملل

منطقه غرب آسیا به دلیل اهمیت ژئوپلیتیک ویژه خود طی دوران گذشته، همواره کانون توجه دولت‌های بیگانه و قدرت‌های استعماری بوده است. امروزه این منطقه به واسطه موقعیت استراتژیکی و ژئوپلیتیک خود، صحنه نفوذ و منازعات قدرت‌های بزرگ بین‌المللی بوده و میزان حضور در این منطقه یکی از عوامل مهم در تعیین میزان قدرت جهانی و موقعیت بین‌المللی قدرت‌های بزرگ در عرصه رقابت جهانی تلقی می‌شود. به تعبیر برخی، «وجود رودها، دریاها، دریاچه‌ها و تنگه‌های متعدد نشانه‌هایی از اهمیت استراتژیکی و ژئوپلیتیک این منطقه است که در میان آنها بسفر، داردانل، کانال سوئز، تنگه هرمز و باب‌المندب، هر یک جای خاصی دارند. این تنگه‌ها بسان دروازه‌های طبیعی خاورمیانه و شمال آفریقا عمل می‌کنند. در طول قرون متمادی، به ویژه قرن نوزدهم هدف عمده کشورهای استعمارگر، خصوصاً روس و انگلیس، حفظ یا گسترش سلطه و رقابت در تحصیل امتیاز خاص در این خطه موصلاتی بوده است» (معین‌الدینی، ۱۳۸۳: ۱۳۸-۱۴۵). از لحاظ ژئوپلیتیک، این منطقه می‌تواند به خوبی موازنه قدرت را به نفع قدرت‌های بزرگ یا به ضرر آنها بر هم زند. به همین دلیل در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، نگاه دو ابرقدرت آمریکا و شوروی پس از تقسیم اروپا به منطقه غرب آسیا معطوف شد. جغرافی‌دانان سیاسی نیز توجه ویژه‌ای به تأثیرات منطقه غرب آسیا بر قدرت جهانی داشته‌اند. «آلفرد مکیندر» (Halford John Mackinder) برجسته‌ترین جغرافی‌دان سیاسی در اوایل قرن بیستم، این مسأله را در نظریه معروف خود با عنوان هارت لند (قلب جهان) تشریح کرد. اساس دکترین معروف مکیندر این بود که حوزه داخلی اوراسیا، منطقه محوری سیاست جهان است. مکیندر متذکر شد که این منطقه محوری، توسط یک «حاشیه هلالی شکل» محاصره می‌شود که منطقه غرب آسیا در آن جای دارد. اگر کشوری که منطقه محور را در بر دارد، بتواند بر سرزمین‌های حاشیه مسلط شود و بدین ترتیب به دریا راه یابد، آنگاه امپراتوری جهان در معرض دیدش خواهد بود (Colbert : 7, 2006). در واقع، شناخت ماهیت ژئوپلیتیک منطقه غرب آسیا از منظر ایالات متحده آمریکا به عنوان هژمون فرا منطقه‌ای در آغاز هزاره جدید سبب خواهد شد تا ماهیت تهدیدات و فرصت‌های آتی برای بازیگران منطقه‌ای هم مشخص شود. به عقیده مانوئل کاستلز، در آغاز هزاره جدید، منطقه غرب آسیا سهم زیادی از بحران‌های عمومی را به خود اختصاص خواهد داد. به عبارت دیگر، وضعیت بحران در این منطقه نسبت به قرن بیستم شدیدتر خواهد بود. بنابراین جوهره متباین ژئوپلیتیک منطقه غرب آسیا، آن را از سایر حوزه‌ها متمایز و آن را به موقعیتی بی‌بدیل در گستره جهانی رهنمون کرده است (باقری، ۱۳۸۴: ۱۰-۱۲). بدین علت قدرت‌های غربی در صدد اجرای طرح‌های متعددی در خاورمیانه جهت دستیابی به مطامع خود هستند که در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۱- بررسی طرح‌های خاورمیانه و تأثیرات آن بر ژئوپلیتیک خاورمیانه

در طول تاریخ و در سراسر هلال حاشیه‌ای سیاست آمریکایی سد نفوذ کمونیسم که بر اساس آن، پایگاه‌ها و اتحادیه مستقر شد، هدفش جلوگیری از توسعه قدرت هارتلند یعنی شوروی به طرف خارج منطقه محور بود. در جریان جنگ جهانی دوم، ان. جی اسپایکمن (Nicholas John Spykman) یکی دیگر از جغرافی‌دانان، نظریه «ریملند» (سرزمین حاشیه) (Rimland) را مطرح و پیشنهاد کرد که آمریکا سیاستی را در پیش گیرد که به افزایش نفوذ آن دولت در هلال حاشیه‌ای کمک کند. همچنین طرح کمربند شکننده خاورمیانه را مطرح کرد. در نظریه وی اندیشمند دیگری همچون اس. بی. کوهن (S. B. Cohen) کمربند شکننده بدین صورت تعریف شده است: «یک منطقه وسیع با موقعیت استراتژیک و... اشغال شده توسط دولت‌های در حاشیه کشمکش که بین منافع متضاد قدرت‌های بزرگ گیر کرده است» (معین‌الدینی، ۱۳۸۶: ۶۲).

۱-۱- طرح خاورمیانه بزرگ (The Greater Middle East and North Africa Initiative (GMENAI))

غرب به رهبری آمریکا معتقد است که قرن بیست‌ویکم، قرن آسیاست و اهداف مورد نظر در طرح خاورمیانه بزرگ عبارتند از: تغییر ماهیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کل منطقه خاورمیانه. به طور کلی، تحولاتی که اخیراً در برخی کشورهای منطقه غرب آسیا رخ داده، نشان‌دهنده این مسأله است که این کشورها به آهستگی وارد روند دموکراتیزاسیون شده‌اند. اشغال عراق و افغانستان توسط آمریکا اولین سطوح تغییرات ژئوپلیتیکی در منطقه محسوب می‌شود. تحول اساسی به وجود آمده حاکی از تغییر جایگاه منطقه غرب آسیا در سیاست‌های ایالات متحده آمریکاست. آمریکا، منطقه غرب آسیا را به عنوان تأمین‌کننده انرژی جهان آینده قرار داده و در این راستا منطقه را به قلب تپنده جهان تبدیل کرده است؛ به گونه‌ای که ایران در مرکز آن، عراق، اردن و اسرائیل نیز در منطقه مرکزی مورد نظر آمریکا قرار خواهند گرفت و افغانستان و پاکستان، آسیای مرکزی، قفقاز و ترکیه نیز در محیط پیرامونی آن جای می‌گیرند (ایزدی، ۱۳۸۵: ۲۳). «آمریکا با اشغال عراق و افغانستان به دنبال تغییرات استراتژیک در محیط خاورمیانه است. هر چند شعار دموکراسی‌خواهی و حمایت از مناطق مختلف جهان از جمله خاورمیانه جزو سیاست‌های اعلامی آمریکا بوده» (کمپ، ۱۳۷۳: ۴۰)، اما آنچه دولت‌های اخیر آمریکا را متمایز از دولت‌های قبلی می‌کند، این است که برای اولین بار در تاریخ مدرن آمریکا این کشور برای تحقق سیاست خارجی معطوف به اشاعه دموکراسی، توسل به قدرت نظامی را شروع و تغییر رژیم را الزامی یافته است. آمریکا، امنیت خود را به ماهیت حیات در منطقه غرب آسیا پیوند داده است و به همین روی حمله به عراق بیش از آنکه با توجه به منافع مردم عراق شکل گرفته باشد، بازتاب دغدغه‌های امنیتی آمریکاست (حاجی یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۶۵). این تغییرات در منطقه در قالب یکی از طرح‌های خاورمیانه با عنوان طرح خاورمیانه بزرگ توسط بوش شکل گرفت و در روند پیگیری اهداف و

با توجه به انتقاداتی که به این طرح وارد شد، این پروژه در قالب طرح خاورمیانه گسترده، موجب تغییراتی در منطقه غرب آسیا شد که در ادامه بررسی می‌شود.

۱-۲- طرح خاورمیانه گسترده

رویکردها در برابر طرح خاورمیانه بزرگ مثبت نبود و پس از اعلام این طرح، مؤسسه «بنیاد کارنگی برای صلح بین‌المللی»^۱ (Carnegie Institut) در واشنگتن، اقدام به انتشار یک جزوه انتقادی علیه طرح خاورمیانه بزرگ بوش و گروه هشت^۲ کرد. این سند بیان می‌دارد، اروپایی‌ها بارها به آمریکایی‌ها اخطار داده‌اند که دولت‌های منطقه غرب آسیا باید طرف مشورت قرار گیرند و در فرآیند مورد نظر مشارکت داده شوند. این صحیح نیست که یک قالب تعریف شده و یک محصول نهایی به طرف‌های ذی‌ربط ارائه شود. انتشار این طرح که به صورت یک‌جانبه توسط آمریکا تهیه و مقامات این کشور بر لزوم اجرای آن تأکید کرده‌اند، عکس‌العمل‌های شدیدی در سطح منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و نیز انتقادات کشورهای مهم اروپایی را به دنبال داشت. (مهدی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۷). کشورهای منطقه و بسیاری از صاحب‌نظران مسائل سیاسی منطقه‌ای معتقدند که هدف آمریکا از ارائه این طرح، تغییر ساختار سیاسی، فرهنگی و اجتماعی منطقه در راستای تأمین هرچه بیشتر منافع خود در منطقه و نیز تضمین دائمی امنیت و منافع اسرائیل است که در چهار هدف عمده به شرح ذیل دنبال می‌شود:

۱- بر سرکار آمدن رژیم‌های دوست: آمریکا در جهت تحقق بخشی به این هدف، باید از طریق رسانه‌های آزاد و شکل‌گیری نوعی جامعه مدنی، در ارتباط و تعامل فکری مستقیم با ملت‌های منطقه قرار گیرد. در این راستا، تحول ساختاری، تغییر نخبگان، تغییر فرهنگ سیاسی و الگوهای رفتاری در منطقه غرب آسیا، باید در دستور کار قرار گیرد. آمریکایی‌ها، هسته مرکزی تحول در ذهنیت جمعی مسلمانان منطقه را ارائه و تثبیت قرائت جدیدی از دین اسلام می‌دانند و از آن به عنوان دین‌سازی یا مدرنیزه کردن اسلام نام می‌برند که از کانال جنگ با تروریسم محقق می‌شود. دانیل پایپس (Daniel Pipes) از چهره‌های معروف محافظه‌کاران می‌گوید: تغییر و تحول منطقه‌ای از طریق سیاست، تغییر رژیم‌ها در جهت آینده‌سازی و امنیت‌سازی مطلق و به نفع غرب، محور این حرکت است (بی‌نام، ۱۳۸۳: ۱۲۰).

۲- «دسترسی آسان به منابع سرشار و بازار منطقه: دسترسی ارزان و آزادانه به منابع، عمدتاً انرژی و بازار پرجمعیت منطقه غرب آسیا، از اهداف عمده آمریکاست. در این راستا، حذف یا دگرگونی اوپک و... گام بزرگ به سوی رهبری جهانی است. به علاوه، اسرائیل به عنوان منشأ بحران‌ها و جنگ‌های نیم قرن اخیر منطقه، عامل اصلی جلوگیری و ممانعت از توسعه پایدار کشورهای مسلمان خاورمیانه بوده است.

^۱ در سال ۱۹۱۰ به منظور پیشبرد صلح تأسیس شد، اما نقش قابل توجهی در خصوص طرح خاورمیانه بزرگ دارد.

^۲ مراد از گروه هشت، اتحادیه هشت کشور صنعتی جهان است.

از دید واشنگتن و تل‌آویو، به‌هم‌ریزی صحنه فعلی منطقه (تغییر هژمونیک وضع موجود)، مسأله جدیدی را در برابر همه خاورمیانه‌ای‌ها قرار می‌دهد و هر کس سرنوشت و آینده خود را در رابطه با اسرائیل و چگونگی مناسبات با این رژیم تعریف کرده و رقم می‌زند. پس خلع سلاح کشورهای اسلامی، بخشی از رویکرد هژمونیک آمریکا در خاورمیانه بزرگ است» (شیرودی، ۱۳۸۴: ۱۰۲).

۳- تحول اقتصادی- اجتماعی و ادغام در اقتصاد جهانی: از دید آمریکایی‌ها این تحولات مهم‌ترین بخش از تغییرات ساختاری در منطقه غرب آسیا، جهت امنیت‌سازی از درون و به موازات آن، تغییرات امنیتی و سیاسی خواهد بود و از طریق آن، مردم منطقه، به ویژه جوانان و زنان طی فرآیند برخورداری نسبی از مواهب تحول اقتصادی- اجتماعی نسبت به اهداف آمریکا، متقاعد خواهند شد.

اعتراضات کشورهای عربی به برخی از مبانی این طرح نظیر تحمیلی و یک‌سویه بودن طرح و عدم مشورت با کشورهای هدف، نادیده گرفتن نقش آمریکا و اروپا در ایجاد مشکلات و عقب‌ماندگی منطقه، عدم توجه به ویژگی‌های تاریخی، دینی، فرهنگی و اجتماعی این کشورها، نادیده گرفتن بحران اصلی منطقه و مسایلی از این قبیل مبتنی بوده است. ضمن آنکه در تحلیل‌ها و گفت‌وگوهای درون منطقه‌ای در خصوص اهداف پنهانی و جانبی طرح آمریکا نسبت به منطقه یا نقش اسرائیل و منافع آن در جهت‌دهی به سمت و سوی طرح، ابراز نگرانی می‌شود. مجموعه این اختلاف دیدگاه‌ها و مخالفت‌ها، بسترهای تعدیل طرح خاورمیانه آمریکا را فراهم کرد. بنابراین به دنبال مخالفت شدید کشورهای عربی و عدم استقبال کشورهای اروپایی، طرح خاورمیانه بزرگ تعدیل شد و در ۱۰ ژوئن ۲۰۰۴ با نام جدید «طرح خاورمیانه گسترده» در نشست گروه سی هشت آیلند به تصویب رسید. بنا بر این طرح، آمریکا مصمم است تا جوامع منطقه غرب آسیا را دموکراتیزه کند؛ زیرا معتقد است که سرخوردگی مردم این منطقه از دولت‌های خود ثبات و امنیت منطقه و جهان غرب به ویژه آمریکا را تهدید می‌کند. به این ترتیب، بدیهی است که اگر کشورهای منطقه غرب آسیا، الگوی مورد پذیرش غرب را اجرا کنند، با از دست دادن استقلال سیاسی خود در مرحله اول، راه را برای وابستگی فرهنگی و اجتماعی نیز هموار کرده‌اند. در مورد اقتصاد نیز می‌توان گفت، آمال توسعه اقتصادی مندرج در این طرح با توجه به تئوری‌های توسعه و عدم توسعه متوازن در تمامی سطوح سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، دورنمای بلندی نخواهد داشت. کشورها قبل از آنکه در اندیشه‌ها و افکار با هم اشتراک پیدا کنند، باید با یکدیگر منافع مشترکی داشته باشند و بدون داشتن منافع مشترک، اندیشه مشترک نمی‌تواند کارایی چندانی داشته باشد (معین‌الدینی، ۱۳۸۹: ۶-۷). بنابراین آنچه بیان شد، غرب در طرح اولیه، مسأله دموکراسی را شالوده اساسی طرح خود قرار داد. در اصلاح طرح خاورمیانه بزرگ بوش طرح خاورمیانه گسترده با رویکرد دموکراتیزه کردن کشورهای غرب آسیا وارد عمل شد و در طرح خاورمیانه جدید جنبش‌های اسلامی را هدف قرار داد.

۱-۳- طرح خاورمیانه جدید (New Middle East)

«از مهم‌ترین اهداف کشورهای غربی برای شکل‌دهی و تثبیت مهندسی امنیتی جدید منطقه، تلاش برای ایجاد اجماع نسبی برای مهار و نابودی جنبش‌های اسلامی یا حداقل تبدیل آنان به یک نهاد سیاسی در طرح خاورمیانه جدید است. در این طرح که به صورت رسمی کاندولیزا رایس (Condoleezza Rice) در ژوئن ۲۰۰۶ در تلاویو جایگزین طرح خاورمیانه بزرگ معرفی کرد، ایالات متحده با تأکید بر سه مقوله رادیکالیسم اسلامی، تروریسم و تسلیحات کشتار جمعی و ترسیم تصویر مجازی و غیر واقعی از طریق رسانه‌ها می‌کوشد، زمینه‌های شکل‌گیری اجماع نسبی در نظام بین‌المللی را علیه جنبش‌های اسلامی و کشورهای مستقل مانند ایران فراهم کند» (دلورپور اقدام، ۱۳۸۵: ۵۷).

اجرای این طرح منوط به ایجاد هلالی از ناآرامی، بی‌نظمی و خشونت بود که از لبنان، فلسطین و سوریه شروع می‌شد و به سمت عراق، خلیج فارس، ایران و مرزهای ناتو در افغانستان گسترش می‌یافت. این هرج و مرج ساختاری، شرایط جنگ و درگیری را در کل منطقه ایجاد می‌کند و در فرصت مناسب مورد بهره‌برداری اسرائیل، آمریکا و انگلیس قرار می‌گیرد تا بتوانند نقشه خاورمیانه را از نو براساس نیازها و اهداف ژئوپلیتیک خود ترسیم کنند. نقشه طرح شده توسط پیترز (Peters' "Blood borders" map) در مجله فشار نظامی (Armed Forces Journal) در سال ۲۰۰۶ به چاپ رسید. این نقشه در برنامه‌های تمرینی کالج دفاع ناتو و نیز در آکادمی ملی جنگ برای افسران رده بالای نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرد. رایس در آن زمان، جنگ اسرائیل و ویرانی ناشی از آن در لبنان را «درد زایمان خاورمیانه جدید» می‌دانست. ایجاد آشوب در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نه با حضور مستقیم آمریکا، بلکه با استفاده از نیروهای گریز از مرکزی مانند القاعده، داعش، النصره و کشورهای خودکامه عربی دنبال شد. در منطقه خاورمیانه درگیری‌های قومی فراوان است، در بخش وسیعی از منطقه، اعراب سکونت دارند. قومیت عرب و زبان عربی در کشورهای عرب منطقه عامل مهمی هستند که آنها را به یکدیگر پیوند می‌دهند و آنها را از مردم غیر عرب منطقه جدا می‌کنند. پس از اعراب دو گروه قومی و زبانی دیگر منطقه فارس‌ها و ترک‌ها هستند که در ایران و ترکیه سکونت دارند. در سطح ملی، وجود اقلیت‌های قومی و مذهبی از آنجایی که می‌تواند تهدیدی علیه وحدت ملی به حساب آید، توجه دولت‌ها را به سوی خود جلب می‌کند. بنابراین پتانسیل بسیار گسترده‌ای برای درگیری در این منطقه وجود دارد که عدم توجه کشورها به این مقوله می‌تواند، چالش‌برانگیز شود و در حال حاضر کانون‌های بحران فعال شده‌اند. استراتژیست‌های آمریکایی و اسرائیلی نقشه خود را برای تسریع در برهم زدن نقشه خاورمیانه پس از عراق در سوریه دنبال کردند. به این ترتیب آشکار می‌شود که تحولات منطقه غرب آسیا و از جمله آن عراق، افغانستان، سوریه و سایر کشورها در طرحی از پیش تعیین‌شده برنامه‌ریزی شده‌اند و تنها راه مقابله با این طرح، مقاومت در برابر آن است.

۹۵

دانشنامه علمی-ترویجی

مطالعات

سیداری اسلامی

سوره کریمی

بررسی ابعاد حقوقی - سیاسی - اعتقادی حضور ایران در سوریه

۲- آغاز بحران در سوریه

آنچنان که در بررسی طرح‌های مختلف غرب آسیا بررسی شد؛ این منطقه با وجود منابع مختلف، یک منطقه ژئواستراتژیک است و سوریه به عنوان یک عضو از این منطقه در معادلات آن دارای نقش مهم و راهبردی است. موقعیت ژئوپلیتیک سوریه به دلیل همسایگی با رژیم اشغالگر قدس، لبنان و عراق و همچنین دسترسی به سواحل دریای مدیترانه، شرایط ویژه و ممتازی را به این کشور بخشیده است. سوریه حلقه اتصال ایران به حزب‌الله و تأمین‌کننده نگاه ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران به مسئله فلسطین به عنوان مسئله حیاتی و اساسی امت اسلامی است. موقعیت ممتاز و راهبردی جغرافیایی از یک طرف و نگاه عقیدتی جمهوری اسلامی ایران به مسئله سرزمین‌های اشغالی و آرمان آزادسازی این سرزمین‌ها از طرفی دیگر، موجبات اتحاد استراتژیک میان ایران و سوریه را فراهم کرده است. تحولات درونی سوریه با توجه به نقشه‌های خاورمیانه و اظهارات رولاند دوما (Roland Duma) وزیر اسبق امور خارجه فرانسه که بیان کرد، «به خاطر دشمنی سوریه با اسرائیل و با هدف براندازی دولت سوریه، انگلستان دو سال قبل از آغاز بحران سوریه و از سال ۲۰۰۹، افراد مسلح را برای جنگ سوریه تجهیز کرده است»، در ژانویه ۲۰۱۱ با تظاهرات در مخالفت با اسد آغاز شد که متأسفانه در ادامه به دلیل حمایت‌های گسترده مالی تسلیحاتی آمریکا و کشورهای غربی و همچنین کشورهای ترکیه، قطر و عربستان، به تنش‌های رادیکال و درگیری‌های نظامی انجامید. از همان ابتدا جبهه عربی-غربی شکل گرفته علیه سوریه، تحولات این کشور را متأثر از تحولات سیاسی اخیر منطقه خاورمیانه تلقی کردند که خواهان دموکراسی و سقوط نظام در سوریه است. البته این تحولات در سوریه به درگیری‌های نظامی و نهایتاً نقض حقوق بشر در این کشور منجر شده است؛ به گونه‌ای که سازمان ملل تعداد کشته‌شدگان جنگ داخلی این کشور را تا جولای ۲۰۱۳ یک‌صد هزار نفر اعلام کرده است (مرادی، ۱۳۹۲: ۵). بحران سوریه در شرایط پیچیده‌ای قرار گرفت که در درون سوریه خود را در هرج و مرج، ناتوانی دولت در کنترل کشور و کشتار گروه‌های تروریست سلفی نشان می‌دهد. در فضای بین‌المللی که شامل یک جنگ رسانه‌ای عظیم، چانه‌زنی بی‌نتیجه قدرت‌های جهانی، رقابت ژئوپلیتیک در منطقه خاورمیانه و شکل‌گیری مخالفان خارج‌نشین دولت سوریه است، این پیچیدگی با حضور گسترده جریان‌های تندروی سلفی تکفیری در سوریه بیشتر شد. کشتارهای وحشیانه این گروه‌ها و عدم کنترل آنها در سوریه پس از اسد، از ابهامات اصلی کشورهای غربی درباره آینده سوریه است. «آنچه موجب تداوم بحران سوریه شده است، رقابت‌های منطقه‌ای میان دو محور متضاد «مقاومت» و «محافظه‌کار عربی» در منطقه خاورمیانه شده و حمایت‌های همه‌جانبه رسانه‌ای مالی و تسلیحاتی جریان محافظه‌کار عربی با همراهی غرب از شورشیان به بحران داخلی سوریه دامن زده است. در خصوص سوریه تبیین مسئله از لحاظ سطح بین‌المللی دو نکته حائز اهمیت است:

۱: تأمین انرژی

۲: حفظ امنیت رژیم صهیونیستی

بر این مبنا از دیدگاه غرب و به ویژه آمریکا، چنانچه سوریه که حلقه وصل اعضای محور مقاومت است، سقوط کند و جهت سیاست خارجی این کشور به سوی جریان محافظه کار تغییر یابد، امنیت رژیم صهیونیستی پس از انقلاب‌های عربی تا حدی ترمیم خواهد شد» (قربانی، ۱۳۹۱: ۱). چنانکه در اهداف ابتدایی جنگ سوریه بیان شد، مسأله سوریه تنها یک مسأله داخلی نیست؛ بلکه در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی دارای اهمیت است. نتیجه آنکه مجموعه عوامل مذکور، یعنی تضعیف احتمالی محور مقاومت از طریق سوریه و تغییر جهت احتمالی سیاست خارجی این کشور - با روی کار آمدن متحدان غرب از طریق تداوم یا تشدید بحران جاری سوریه و فروپاشی نظام سیاسی این کشور با حاکم کردن هرج و مرج بر آن توسط کشورهای غربی و متحدان منطقه‌ای آنها با سناریوی کشورهای غربی - یکی از عوامل بر هم زدن توازن منطقه‌ای و حتی جهانی به نفع غرب خواهد بود. کشورهای عربی در خلال بحران سوریه تلاش کردند، از فرصت پیش‌آمده جهت تضعیف جبهه مقاومت و همچنین رقابت‌های شخصی استفاده کنند. در برابر جبهه غربی - عربی فوق؛ ایران، روسیه و چین قرار دارند. روابط ویژه ایران با سوریه که سابقه آن به بیش از سه دهه قبل می‌رسد، در پی بروز بحران در سوریه و وقوع انقلاب در کشورهای عرب منطقه موجب شد، روابط دو کشور مذکور هدف قرار گیرد. تام دانیلون، مشاور امنیت ملی آمریکا در دسامبر ۲۰۱۱، صریحاً اعلام کرد: «پایان حکومت اسد موجب بزرگ‌ترین عقب‌نشینی ایران در منطقه و بر هم خوردن توازن قوای راهبردی و تغییر آن در منطقه علیه ایران خواهد بود» (ثقفی عامری، ۱۳۹۰: ۱). در صورت روی کار آمدن مخالفان اسد، محور سه‌گانه ایران، سوریه و حزب‌الله لبنان دچار ضربه اساسی خواهد شد. با سرنگونی دولت اسد مهم‌ترین متحد استراتژیک ایران در منطقه از بین خواهد رفت و توانایی جمهوری اسلامی در مرزهای شمالی رژیم صهیونیستی به شدت کاهش می‌یابد (نیاکویی، ۱۳۹۲: ۱۳۰). جنگ سوریه تاکتیکی از سوی غرب در جنگ با ایران محسوب می‌شود؛ اگرچه سیاست مزبور به طور ضمنی حرکتی در جهت کاهش نفوذ روسیه و چین در منطقه است (مرادی، ۱۳۹۲: ۷). ایجاد آشوب با استفاده از نیروهای گریز از مرکزی مانند القاعده، داعش و النصره و حمله نظامی به تعداد زیادی از کشورهای منطقه غرب آسیا با شعار دموکراسی و با هدف اولیه حفظ منافع دولت‌های غربی و به وسیله دموکراتیزه کردن، تغییر رژیم‌های سیاسی و سایر تحولات پیش‌بینی شده وجود خطر تخاصم را در فراسوی مرزهای ایران به آسانی قابل مشاهده می‌کند. در سال‌های گذشته، بحران‌ها، جنگ‌ها و تنش‌ها در منطقه برای ایران پرهزینه و منبع بی‌ثباتی بوده است. با توجه به این رویه، بهره‌گیری از ائتلاف و اتحاد در سیاست خارجی ایران در منطقه واکنشی در برابر تهدیدات امنیتی بوده که دارای دو جنبه است: نخست ایجاد اتحاد و ائتلاف با دولت‌های منطقه یا گروه‌های سیاسی برای تضعیف منابع مشترک تهدیدات امنیتی و دوم رفع این تهدیدات از راه حضور مؤثر و فعال در مسائل سیاسی امنیتی منطقه (برزگر، قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۱۵-۱۴۲).

۳- مستشاری ایران در سوریه

در فرهنگ معین و دهخدا واژه مستشار به معنای طرف مشورت، رایزن، متخصصی که از کشورهای خارج برای اصلاح وزارتخانه یا اداره‌ای استخدام کنند؛ مشورت کرده‌شده یعنی آنکه با او مشورت کنند و از او صلاح پرسند؛ کنکاش خواسته‌شده؛ کسی که از او طلب مشورت کنند و مصلحت‌گذار معنی شده است. اما در ارتباط با ضرورت مبارزه با جریان‌های تکفیری برای کشور ایران باید بیان کرد که شکل‌گیری و گسترش دامنه جریان تکفیری داعش، چالش‌های بالقوه و بالفعل گسترده‌ای برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است که مهم‌ترین آنها بدین شرح است:

۳-۱- چالش استحاله و قرائت ناصحیح از مفاهیم اسلامی

یکی از چالش‌های مفهومی فتنه ساخت داعش، تصویر و مفهوم‌سازی از مفاهیم ارزشمند و بنیادین اسلام، به‌ویژه اسلام انقلابی همچون جهاد است. جهاد به‌عنوان رکن اصلی اسلام انقلابی هم‌اکنون با سخیف‌ترین تفسیر از آن گره خورده و تا مدت‌ها در ذهن ملت‌ها خواهد ماند و تصویرسازی از آن به‌ویژه در شبکه‌های مجازی و انتشار عکس و فیلم با عنوان جهاد که با جست‌وجویی ساده در پایگاه‌های اجتماعی و موتورهای جست‌وجو حاصل می‌شود، روند بدبینی به اسلام انقلابی راستین را دچار خدشه خواهد کرد. همچنین مفهوم‌سازی و تصویرسازی نسبت به مفهوم ارزشمند نکاح است که سنت پیامبر اسلام (ص) بوده و اینک با زشت‌ترین تعبیر خود روبه‌رو شده است (نظامی‌پور، شادمانی و اخوان، ۱۳۹۵: ۱۲).

۳-۲- چالش تقویت گفتمان ضدایرانی در منطقه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی روز به روز بر محبوبیت جمهوری اسلامی در میان مردم منطقه افزوده شده و این محبوبیت را می‌توان حتی در میان ملتی که هشت سال با ایران جنگیدند، نیز به خوبی دید. در این میان، برخی گروه‌های مخالف ایران که عمدتاً در سلسله‌مراتب وابستگی به آمریکا و برخی کشورهای بزرگ منطقه قرار می‌گیرند، با کوفتن بر طبل ارتباط گرم دولت کنونی عراق با ایران به ایجاد ذهنیت در مردم و تخریب وجهه دوگانه دولت عراق و ایران می‌پردازند و سربرآوردن داعش را نتیجه این ارتباط می‌دانند.

۳-۳- چالش به حاشیه رفتن الگوی عملی نظام ایران در سایه خشونت داعش

آنچه بیش از هرچیز باعث تهدید جریان‌های افراطی کشورهای منطقه شده، خطر سرایت الگوی نظام سیاسی ایران به سایر مناطق و وام‌گیری احزاب و جریان‌های نظام‌ساز در این مناطق پس از بیداری اسلامی بوده است. اینک که با پررنگ کردن و بزرگنمایی تحرکات داعش، الگوی عملی اسلام را به الگوی افراطی داعش تقلیل داده و برای افکار عمومی جهان پررنگ کرده‌اند، این نگرانی وجود

دارد که عدم تبیین صحیح الگوی مردم‌سالاری جمهوری اسلامی این الگوی راهگشا را در محاق مدل بی‌ریشه داعشی برده و نظام اسلامی با نام جنایات داعش و نه با الگوی مترقی جمهوری اسلامی عجین شود.

۳-۴- چالش ایجاد رعب در منطقه

ترفند اصلی گروهک داعش، بهره‌گیری از ترسند رعب و وحشت در دل مناطقی است که قصد تصرف دارند. با این عملیات روانی، بخش قابل توجهی از مردم مناطق در معرض تهاجم که مهم‌ترین موانع جنایتکاران در منطقه‌اند، عرصه را برای ورود و حضور بی‌مانع آنان خالی و زمینه را برای تصرف ساده این مناطق فراهم می‌کنند. با توجه به توان تبلیغی گسترده حامیان داعش برای القای این رعب از طریق رسانه‌های فراگیری همچون بی‌بی‌سی فارسی، العربیه و نیز شبکه‌های مجازی و پایگاه‌های اینترنتی و غفلت عناصر رسانه‌ای ایران در انتشار بخشی از این جنایات، امکان دارد که برخی از مناطق هم‌مرز با ایران چه در خاک عراق و چه در داخل ایران، مهاجرت‌های ناخواسته داشته باشند و ضمن خالی کردن سنگر مقابله با گروهک داعش، تبعات اجتماعی و فرهنگی ناخواسته‌ای را بر سایر مناطق مهاجرپذیر تحمیل کنند.

۳-۵- چالش ترور و تهدید کور

یکی از چالش‌های گروهک‌های تروریستی که عمدتاً مشابه هم عمل می‌کنند، ایجاد ترورهای کور و اقدامات تروریستی در مناطق شهری است. این امر که عمدتاً پس از ناکامی گروهک‌ها در کسب توفیقات واقعی و شکست‌های مستمر رخ می‌دهد، ممکن است در اثر عدم اشراف دقیق اطلاعاتی و امنیتی از یک سو و رشد قارچ‌گونه تفکرات نوسلفی در داخل کشور به ایجاد چالش‌های کور امنیتی به ویژه در شهرهای مذهبی کشور منجر شود. گرچه بی‌شک گروهک حقیر داعش را برای نظام بزرگ جمهوری اسلامی نمی‌توان یک چالش بزرگ دانست؛ اما آنچه ذکر شد، چالش‌گونه‌ای احتمالی است که گرچه ممکن است، امکان وقوع اندکی داشته باشد، اما توجه و رصد آنها به‌عنوان عوامل مؤثر بر تدوین سناریوهای آینده منطقه می‌تواند بسیار راهگشا باشد (اخضریان کاشانی، ۱۳۹۳: ۱).

۳-۶- چالش اختلاف‌افکنی قومی- مذهبی

ایران با توجه به مختصات جغرافیایی خود، دارای مرزهای طولانی با کشورهای است که تفکر تکفیری در آنها رواج فراوان دارد. همین عامل می‌تواند یک نگرانی بالقوه برای کشور باشد؛ به‌ویژه آنکه ایران در طول تاریخ به لحاظ مذهبی هم تفاوت‌های بنیادینی با صاحبان این نوع تفکر داشته است. این نکته زمانی اهمیت پیدا می‌کند که بدانیم، یکی از دلایل عمده کشتار بخشی از مردم عراق و سوریه، تفاوت‌های مذهبی است. تفاوت‌های مذهبی که در طول سال‌ها و بر اثر رفتارهای اشتباه هر دو سو، به

کینه مذهبی تبدیل و موجب شده است که وهابیون و سلفی‌های تندرو، برخلاف مشی بزرگان اهل سنت، بر طبل نفاق و کینه‌ورزی با ایرانیان شیعه می‌کوبند و کینه‌ای دیرینه از تشیع را در دل پیروانند؛ بدین جهت ممکن است، همسایگی و دسترسی به مرزهای ایران با بغض‌های مذهبی و اعتقادی در هم آمیزد و معجون خطرناکی به دست وحشیان داعش دهد که چشم طمع بر این آب و خاک افکنند.

۴- ابعاد حضور ایران در سوریه

سیاست اعلامی ایران برای حضور در سوریه، علاوه بر دلیل اعتقادی دفاع از حرم آل‌الله که باعث شده نیروهای اعزامی به سوریه نیز با نام مدافعان حرم شناخته شوند، در چهار سطح مورد بررسی قرار می‌گیرد: راهبردی، عملیاتی، تاکتیکی و فنی و امدادی. سطح راهبردی که ایران حمایت سیاسی و معنوی را از ملت، دولت و ارتش سوریه به عمل می‌آورد و به‌عنوان مستشار، تجربیات جنگی خود را به فرماندهان سطوح عالی‌رتبه ارتش سوریه منتقل و امکانی را فراهم می‌کند که آنها طراحی‌های نظامی و دفاعی خود را بر اساس تجربیات و تدابیری که مقامات ایرانی در طول سال‌ها جنگ با ارتش‌های مختلف به دست‌آوردند، انجام دهند. ایران در نوسازی و بازسازی ارتش سوریه در سطح راهبردی و عملیاتی به آنها کمک می‌کند. ارتش سوریه در سال‌های اخیر درگیر یک جنگ فرسایشی بوده است و این ارتش به تغییر ساختار و مکمل دفاعی نیاز دارد که مشارکت مردم در صحنه است. مقامات ایران به دلیل تجربیات بسیار ارزشمندی که در توسعه بسیج مردمی برای دفاع از ارزش‌های خود داشته‌اند، این مفهوم را به شکل سازمانی ساختاری و عملیاتی در سیستم دفاعی سوریه وارد کردند و در حال حاضر، نظام سوریه در کنار ارتشی قدرتمند، نیروی مردمی نیز دارد که بر اساس مشاوره راهبردی و مستشاری ایران بوده است.

سطح دوم، سطح عملیاتی است. در این سطح، به فرماندهان سطوح عملیاتی سوریه کمک می‌شود؛ زیرا زمانی که سطح مشاوره به سطوح عملیاتی جنگ منتقل می‌شود، به لحاظ تدبیر سطوح میانی جنگ مدیریت می‌شود که این سطح هم در توضیح یافتن آمادها، طرح‌های لجستیکی برای پشتیبانی درست از یگان‌هایی که عمل می‌کنند، آموزش فرماندهان سطوح میانی این نیز سطح عملیاتی محسوب می‌شود و فرماندهان ایرانی در طراحی راهبردهای عملیاتی برای غلبه بر دشمنان کمک می‌کنند.

سطح سوم تاکتیکی است. این سطح به فیزیک مستقیم رزم مربوط می‌شود که فرماندهان گردان‌های ارتش سوریه نیز از خدمات مستشاری فرماندهان ایرانی مستثنی نیستند. سطح چهارم فنی است. این سطح به آماده‌سازی، تعمیر تجهیزات، آموزش برای نگهداری و تعمیرات، امداد و نجات و چنین موضوعاتی منتهی می‌شود که این سطوح بر اساس درخواست‌ها و تعاملاتی که به شکل رسمی ایران با دولت سوریه دارد، انجام می‌شود (سلامی، ۱۳۹۴: ۳).

یافته‌های تحقیق

از نظر عقلی با توجه به طرح‌های خاورمیانه که با هدف ایجاد تغییرات گسترده در ژئوپلیتیک، فرهنگ، اقتصاد، سیاست و... این منطقه از سوی کشورهای غربی برنامه‌ریزی شده است؛ مقاومت در برابر این تغییرات در هسته‌های مقاومت خارج از کشور جهت جلوگیری از نفوذ مخاصمه به داخل کشور ضروری است و با استناد به تعالیم اسلامی، قرآن، سنت و عقل، حمایت از هر مظلوم در صورت یاری طلبیدن، در هر مکان فارغ از مرزهای جغرافیایی یکی از وظایف مسلمانان است. در این زمان، افراد غیرنظامی در سوریه بدون رعایت اصول بشردوستانه در مخاصمات داخلی و بین‌المللی هدف آسیب و رنج شده‌اند که حمایت از آنها از مصادیق جهاد و واجب است. در ارتباط با معاونت مستشاری ایران در کشورهای غرب آسیا باید بیان کرد که از جمله سیاست‌های خارجی حضرت امام خمینی(ص)، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، در زمان حیات خود مبارزه با مستکبران جهان بوده است و با اتکا به این نوع سیاست، سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبران است که نمونه بارز آن مقابله با طرح‌های سلطه‌طلبی کشورهای غربی از جمله طرح‌های خاورمیانه است. بدین معنا که جمهوری اسلامی ایران خود را متعهد و ملتزم می‌داند تا در هر گوشه‌ای از دنیا که به هر مسلمانی تجاوز و تعدی می‌شود، به عنوان نماینده حکومت اسلامی از آنها دفاع کرده و از تعدی به مسلمانان در حد قدرت و توان خود جلوگیری کند. کشور ایران همه مسلمانان را امت واحدی می‌داند و دولت اسلامی مکلف است، به دفاع و حمایت از آنان برخیزد. گفتمان سیاست خارجی انقلاب اسلامی ایران بر مبنای سیاست خارجه بنیان‌گذار آن، بر تعهد برادرانه نسبت به مسلمانان و دفاع از حقوق آنان استوار است. سقوط دولت سوریه، تحقق اهداف نامشروع آمریکا در منطقه را به دنبال دارد؛ زیرا غرب در هم‌پیمانی با ارتجاع عرب و انحراف ترکیه و قطر، پروژه تغییر در سوریه را با هدف ایجاد تغییرات اساسی در الگوهای منطقه‌ای، همچون تجزیه منطقه، مشروعیت و امنیت برای رژیم صهیونیستی دنبال می‌کند. علاوه بر آنکه ارائه مدل خشن، ناکارآمد و غیر دموکراتیک نیروهای مزدور در سوریه در کنار الگوهای غیر مردم‌سالار دولت‌های منطقه فرصتی است تا با چالش در الگوهای معرفی شده حکمرانی اسلامی نسبت به تبیین الگوی مترقی مردم‌سالاری دینی ایران اقدام و علاقه‌مندان به یافتن راه‌های نو در حکومت به ویژه در کشورهای در حال نظام‌سازی پس از بیداری اسلامی منطقه را با مدل‌های جدیدی از مدیریت سیاسی نظام اسلامی آشنا کرد و تعارضات الگوهای مطرح کنونی را به رخ کشید.

منابع و مأخذ

- القرآن‌الکریم، ترجمه محمد آیتی
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق)، لسان‌العرب، قم: نشر ادب‌الحوزه، ج ۵.
- ابن هشام، عبدالملک بن هشام (۱۳۵۵ق)، سیره النبویه، قاهره، مکتبه مصطفی البابی الحلبی.

- اخضریان کاشانی، محمدرضا (۱۳۹۳)، داعش؛ پایش چالش‌ها و فرصت‌ها، قابل دسترسی در <http://isunews.ir> خبرنامه صادق
- ایزدی، جهانبخش (۱۳۸۵)، «درآمدی بر طرح خاورمیانه بزرگ»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۳.
- باقری، سیامک (۱۳۸۴)، پروژه خاورمیانه بزرگ، تهران، اداره سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- بلدسو، رابرت (۱۳۷۵)، فرهنگ حقوق بین‌الملل، ترجمه بهمن آقایی، تهران، گنج دانش.
- برزگر، کیهان، قاسمی، مهدی (۱۳۹۲)، «استراتژی تهدید وجودی اسرائیل و امنیت ملی ایران»، روابط خارجی، سال پنجم، شماره ۱۷.
- ثقفی عامری، ناصر (۱۳۹۰)، «ملاحظات راهبردی ایران، روسیه و چین در بحران سوریه»، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۲۳ اسفند، قابل دسترسی در سایت <http://www.csr.ir/fa/archive>
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۳)، «جایگاه عراق در طرح خاورمیانه بزرگ»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴.
- حرالعاملی، محمدبن الحسن (۱۳۱۶)، وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه، قم، موسسه آل البيت.
- حسینی الخامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۴)، اجوبه الاستفتائات، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی.
- جبعی العاملی، زین‌الدین بن علی (شهادت ثانی) (۱۳۶۵)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، قم، مکتبه الاعلام.
- جعفری، علی‌اکبر (۱۳۹۲)، «استراتژی «موازنه تهدید» و امنیت دولت‌های اسلامی منطقه خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال دوم، شماره ۷.
- خسروی، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، حقوق بین‌الملل دفاع مشروع، تهران، آدینه.
- الزحیلی، وهبه (۱۳۹۲ ق)، العلاقات الدولیه فی الاسلام، بیروت، دارالعلم.
- دلاورپورآقدا، مصطفی (۱۳۸۵)، «حزب‌الله و مؤلفه‌های سیاست و امنیت در خاورمیانه»، پگاه حوزه، شماره ۲۰۱.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، فرهنگ دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۱)، اصول سیاست خارجی در قرآن، فصلنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۵.
- سلامی، حسین (۱۳۹۴)، دستاوردهای حضور در سرزمین شام، خبرگزاری مهر، قابل دسترسی در سایت <http://www.mehrnews.com>
- شمس‌الدین، شیخ مهدی (۱۹۹۷)، جهادالامه، بیروت، کانون الثانی رینایر، چاپ اول.

- شیروودی، مرتضی (۱۳۸۴)، «طرح خاورمیانه بزرگ، غرب و کشورهای مسلمان زمینه‌ها، چیستی و پیامدها»، اندیشه تقریب، شماره ۳.
- صبحی الصالح (۱۴۱۲ ق)، نهج البلاغه، قم، دارالهجره الخامسة، نامه ۴۷.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳)، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، چاپ اول.
- علاءالدین علی بن حسام (المتقی الهندی) (۱۳۷۵ ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، دائرةالمعارف العثمانیة، بعاصمه حیدر آباد، ج ۱.
- علی بابایی، غلامرضا (۱۳۶۹)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، شرکت نشر ویس.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۷)، فقه سیاسی، تهران، امیرکبیر، جلد ۲ و ۳، چاپ اول.
- الفرجانی، عمر احمد (۱۹۸۸ م)، اصول العلاقات فی الاسلام، بیروت، دارالاقراء.
- قربان‌نیا، ناصر (۱۳۸۲)، «بررسی مداخله بشردوستانه از منظر اخلاق»، قم، نامه مفید، دانشگاه مفید.
- قربانی، فهیمه (۱۳۹۱)، «بحران سیاسی جاری سوریه: راهکارها»، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، قابل دسترسی در سایت <http://fa.cmess.ir/View/tabid/127/ArticleId/1654.aspx>
- کلانتری، فتح‌الله (۱۳۹۴)، «مقایسه تطبیقی جنگ ۸ ساله با پارادایم جنگ‌های حال و آینده»، تهران، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۸ ق)، اصول کافی، تهران، مکتبه الصدوق.
- کمپ، جفری و هارکوی، رابرت (۱۳۷۳)، جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه حسینی، تهران، انتشارات مطالعات راهبردی.
- محمدی الموتی، محسن (۱۳۸۸)، «هدف و سازوکارهای سیاست خارجه در اسلام»، انسان‌پژوهی دینی، دوره ۶، شماره ۱۹.
- مرادی، عبدالله (۱۳۹۲)، «بحران سوریه؛ امکان و امتناع مداخله بشردوستانه»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هفتم، شماره ۲.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۱)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، سمت.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، جهاد، قم، انتشارات صدرا، چاپ ۹.
- معین، محمد (۱۳۵۰)، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- معین‌الدینی، جواد (۱۳۸۳)، «دگرگونی ژئوپلیتیک خاورمیانه و امنیت خلیج فارس»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۲۵-۲۲۶.

- _____ (۱۳۸۶)، «طرح خاورمیانه بزرگ؛ الگوهای نوسازی بومی و گسترش همگرایی منطقه‌ای»، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۷.
- مقتدر، هوشنگ (۱۳۵۸)، مباحثی پیرامون سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی، تهران: انتشارات دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۵۹)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۷)، آیین انقلاب اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ ۲.
- _____ (۱۳۷۲)، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- موسوی، سیدمحمد (۱۳۸۲)، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، تهران، انتشارات باز.
- موسوی بجنوردی، سیدحسن (۱۳۸۹ ق)، القواعد الفقهیه، قم، اسماعیلیان، ج ۱.
- مهدی هادی، حسین (۱۳۸۵)، «دخالت نظامی بشردوستانه اسلام و حقوق بین‌الملل»، گفتمان حقوقی، شماره ۱۰ و ۱۱.
- مهدیزاده، اکبر (۱۳۸۳)، «بررسی ابعاد گوناگون طرح خاورمیانه بزرگ»، ماهنامه نگاه، شماره ۴۳.
- نشریه ابرار (۱۳۸۳)، «طرح خاورمیانه بزرگ‌تر»، شمار ۱۷.
- نظامی‌پور، قدیر، شادمانی، مهدیه، اخوان، منیژه (۱۳۹۵)، «ارزیابی چگونگی راهبرد نظامی مستشاری ایران در مقابله با گروه‌های تکفیری در سوریه»، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، سال پنجم، شماره ۱۸.
- نیاکویی، سید امیر، اسمعیلی، علی، ستوده، علی‌اصغر (۱۳۹۲)، «تبیین راهبرد امنیتی ایران در قبال بحران سوریه (۲۰۱۱-۲۰۱۳)»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره اول.
- وزیری، مجید، محمدی بلبان‌آباد، جبار (۱۳۹۴)، «بررسی مداخله بشردوستانه در نظام فقهی اسلام»، حقوق اسلامی، شماره ۴۵.
- هیکل، محمد خیر (۱۹۹۶)، الجهاد و القتال فی السیاسه الشرعیه الحمراء، بیروت، چاپ دوم.
- یاری، حامد (۱۳۸۳)، «خاورمیانه بزرگ: دولت‌ها - دیدگاه‌ها»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۱۰.
- ----- (۱۳۹۳)، خطر داعش برای ایران؛ خیلی دور، خیلی نزدیک، ۱۹ شهریور، قابل دسترسی در سایت <http://mardomiha.ir>، ۱۳۹۳/۶/۱۹.

- Held; Colbert(2006)Middle East Patterns :west view press, p. 7
- <http://nbc.com/2013/07/03/former-french-foreign-minister-dumas-blows-the-whistle-on-western-war/>
- Rose, G, (1998). Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy, World Politics
- Walt, Stephan (1987). The Origins Of Alliances, (Ithaca, New York: Cornell University Press
- Walt, Stephen M.(1998). "International Relation: One World, Many Theories", Foreign Policy, No. 110, (Spring).

پیغام
اسلامی